

خشونت علیه عراق

مجازات‌ها، قوانین و عدالت

جیف سیمونز، التکامل بالعراق، العقوبات و

القانون والعدالة (خشونت علیه عراق: مجازات‌ها، قوانین

و عدالت)، بیروت: ۱۹۹۸، ۴۰۲ ص ص

رهبران عراق از زمان تأسیس^۱ تا به

امروز نسبت به همسایگان خود ادعای

ارضی داشته‌اند. این ادعا در ابتدا به خاطر

سلطهٔ بریتانیا بر منطقه و حمایت از

حکومت‌های زیر سلطه با روش‌های

مسالمت‌آمیز، تحت عنوان طرح‌هایی مانند

هلال خصیب [که شامل کشورهای سوریه،

لبنان، فلسطین، اردن و کویت به رهبری

عراق می‌شد] در طول بیش از سی سال

(۱۹۲۰-۵۸) حکومت خاندان هاشمی

در این کشور ادامه داشت ولی با پایان

سلطهٔ این خاندان طرفدار انگلیس در

عراق، و روی کار آمدن عبدالکریم قاسم در

۱۹۱۸ تنش در روابط بین عراق و

همسایگان این کشور بویژه کویت و ایران

شکل جدی‌تری به خود گرفت. دولت

قاسم با ادعای حاکمیت مطلق بر ا روند رود

و خوزستان ایران، استقلال شیخ نشین

کویت را نیز به رسمیت نشناخت (۱۹۶۱)

. اگر حمایت جدی بریتانیا و ایران (به

خاطر اختلافات ارضی با عراق و حمایت از

کویت) و نیز پشتیبانی کشورهای

خاورمیانه از جمله مصر، اردن و عربستان

از کویت نبود شاید اکنون در نقشهٔ سیاسی

و جغرافیایی جهان نامی از این کشور وجود

نداشت و عراق در همان زمان این لقمه

بسیار چرب را بلعیده بود.

با پایان سلطهٔ عبدالکریم قاسم در

ژوئن ۱۹۶۸ و روی کار آمدن بعثی‌ها در

عراق، این کشور شاید به خاطر حفظ

موقعیت خود در ابتدا کوشید با همسایگان

خود بویژه کویت، روش مسالمت‌آمیزی در

پیش گیرد، ولی پس از تحکیم موقعیت،

اهداف واقعی آنها نمایان شد. آنها ادعاهای

ارضی خود را نسبت به سرزمینهای

همسایگان تکرار کردند و کویت راجزو

سرزمینهای عراق دانستند که با انحلال

حکومت عثمانی باید به این کشور

بازگردانده می‌شد. در مورد ایران نیز

برخواسته‌های قبلی رهبران این کشور

افزوده شد و علاوه بر ادعای حاکمیت

مطلق بر آروند رود، خوزستان ایران را نیز عربستان نامیدند. حتی رژیم عراق پای خود را از این نیز فراتر نهاد و در صحنه‌های بین‌المللی خود را حافظ به اصطلاح «منافع عرب» در مقابل ایران معرفی کرد.^۲ با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دولت عراق بهانه دیگری به دست آورد تا ادعاهای سابق خود در مورد کویت را مجدداً تکرار کند، این رژیم خواستار برگرداندن جزایر ورهبه و بوبیان به عراق شد. اگر چه در اوایل جنگ به خاطر نیاز به حمایت کویت این ادعاها چندان جدی گرفته نشد ولی با پیشروی نیروهای ایران در محورهای مختلف جنگ، بویژه پیروزی قاطع ایران در جزایر مجنون و با تلاحهای نفت خیز هویزه، فشار عراق به کویت نیز شدیدتر شد. دولت کویت در سال ۱۹۸۴ رسماً اعلام کرد برای نخستین بار ناگزیر شده است به برخی از خواسته‌های عراق جواب مثبت دهد و جزایر ورهبه، بوبیان و فلیکارا را در اختیار عراق قرار دهد.^۳

تجاوز عراق به کویت در دوم اوت ۱۹۹۰ آغاز و در هشتم همان ماه رسماً به خاک عراق ملحق شد. و این حادثه رهبران

دولتها و ناظران سیاسی را شگفت زده کرد و برای بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و نظامی جهان غیرمنتظره بود. نویسنده کتاب نیز در فصل اول با استفاده از همین اظهار نظرها و گزارش‌های اکثر غربی، نظراتی پیرامون اشغال کویت را مطرح می‌سازد که ظاهراً مؤید بی‌طرفی غرب در اختلافات میان عراق و کویت است. به عنوان مثال، هنری شولر مدیر طرح‌های امنیت انرژی آمریکا، به صدام گفته بود: باید از به هدر رفتن انرژی نفت جلوگیری شود و نباید آن را با ثمن بخرس در اختیار دیگران قرار داد.

همچنین اظهارات مارگارت تتوایر سخنگوی وقت وزارت خارجه آمریکا، که در جواب مربوط به استقرار دو گردان از نیروهای زره پوش عراقی در مرزهای کویت گفته بود: آمریکا با کویت معاهده‌های دفاعی ندارد و ما هیچگونه تعهد دفاعی و امنیتی در برابر آن نخواهیم داشت. و یا این سخنان سرگلاسی سفیر سابق آمریکا در عراق که در آستانه حمله عراق به کویت به صدام گفته بود: شما باید از فرصتها استفاده کنید و کشورتان را بازسازی

نمایید و ما در درگیریهای عربی-عربی همانند اختلافات شما با کویت موضع گیری نخواهیم کرد. نویسنده با تحلیل این گونه اظهار نظرهای یک نتیجه کلی می گیرد و می گوید این امریکاست که عراق را برای حمله به کویت تحریک کرده است و لذا بدون پرداختن به زمینه های تجاوز و اختلافات ارضی عراق و کویت، مستقیماً وارد موضوع شده و به برشمردن خسارتهای جنگ می پردازد.

نویسنده کتاب به صورت مشروح به جزئیات خسارت جنگ علیه غیرنظامیان پرداخته و به تأسیساتی اشاره می کند که کاملاً ویران شده و سرمایه های عراقی و عربی توانایی ترمیم آن را ندارند. بنابراین باید از کارشناسان خارجی برای بازسازی آن استفاده شود. نویسنده این خسارتهای را تا ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد می کند و از قول یک عضو پارلمان انگلیس و نیز بر اساس مجموعه ای از اسناد می گوید: در این حمله ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار نفر غیر نظامی قربانی شده اند و بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر نیز مجروح به جای مانده است. او کشته شدگان نظامی عراقی را تا

۱۰۰ هزار نفر تخمین می زند.

نویسنده می گوید، در این جنگ از انواع سلاحهای متعارف و غیر متعارف مانند بمب ناپالم و سلاح شیمیایی استفاده شده است و گزارشهای محرمانه سازمان هسته ای انگلیس تأیید می کند که در حدود ۴۰۰ تن اورانیوم غنی شده بر سر مردم ریخته شده است.

از قول بعضی از کارشناسان اروپایی نقل قول می شود که عراق مناسب ترین محلی بود که می شد از نتیجه به کارگیری اورانیوم اطمینان حاصل کرد و میدان مناسبی برای نابودی پس مانده های هسته ای تولید شده در غرب به حساب می آید.

در فصل دوم کتاب، نویسنده به بررسی بیانیه های شورای امنیت، محافل بین المللی و آمریکا علیه عراق می پردازد. به عقیده وی، بسیاری از این بیانیه ها، قوانین بین الملل و حقوق بشر را نقض می کند و موضوع خلع سلاح را دستاویزی برای سرپوش گذاشتن بر فشارهای ویرانگر به مردم عراق و محروم ساختن آنها از ابتدایی ترین امکانات انسانی می داند.

نویسنده با تشریح قطعنامه‌های ۷۰۶، ۷۱۲، ۹۷۶، همه آنها را طرح‌های از قبل تهیه شده از طرف برنامه ریزان واشنگتن می‌داند که سیاستمداران از آن بهره‌برداری کرده‌اند تا به جنایات جنگی خود در عراق ادامه دهند و سعی کنند عاملان اصلی را تبرئه کرده و تمام گناه را به گردن حکومت عراق بیاندازند.

فصل سوم کتاب به مستندات و نقل قول‌های مشهور و گزارش گزارشگران سازمان ملل و نهادهای مستقل می‌پردازد و سعی می‌کند آوارگی و رنج و مشقت مردم عراق را نشان دهد و صحنه‌های زنده‌ای از مشکلات، گرفتاری و کمبودها را به جهانیان منتقل نماید. آمارهایی تکان دهنده از امراض انسانی، حیوانی و حتی نباتی ارائه می‌دهد که به خاطر فقدان لوازم اولیه پزشکی و نیز دارو و درمان در جامعه عراق رو به تزاید است. نویسنده کمبود غذا و فقدان امکانات پزشکی را از مشکلات اصلی می‌داند.

از قول اریک رولو سفیر سابق فرانسه در ترکیه نقل می‌شود: عراقیها همه امید خود را از دست داده‌اند، کشور تقریباً

به ویرانه‌ای تبدیل شده است و مردم این معنی را درک نمی‌کنند که نیروهای هم‌پیمان با چه مجوزی زیر ساخت‌ها و صنایع اصلی عراق را با استفاده بیش از حد از نیروی نظامی و حملات هوایی خود، نابود می‌سازند.

نیروگاه‌های برق تا ۹۲ درصد، پالایشگاه‌ها تا ۸۰ درصد و مجتمع‌های پتروشیمی و مراکز ارتباط راه دور کاملاً ویران شده‌اند. ۱۳۵ مرکز تلفن و بیش از ۱۰۰ پل جاده‌ای از بین رفته‌اند، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، ریل‌های قطار، واگن‌ها و کامیونت‌های حمل بار اکثراً از کار افتادند. و مراکزی مانند ایستگاه‌های رادیو-تلویزیونی، کارخانه‌های سیمان، تولید آلومینیوم، پارچه و ساخت تجهیزات پزشکی منهدم شده‌اند. صندوق عربی پول، خسارت‌ها را در حدود ۱۹۰ میلیارد دلار تخمین زده است.

فصل چهارم کتاب به سوء استفاده آمریکا از این تحریم‌ها و مجازات‌ها می‌پردازد. نویسنده فهرست کاملی از تحریم‌های اقتصادی ارائه می‌دهد که در دوره‌ای طولانی حتی قبل از جنگ جهانی

اول بر روابط بین المللی کشورها سایه انداخته است و اکنون نیز در بسیاری از این موارد ادامه دارد. او نتایجی نیز از کاربرد این تحریم‌ها علیه کشورهای جهان ارائه می‌دهد و تحریم‌های زیادی را ذکر می‌نماید که آمریکا به تنهایی علیه کشورها اعمال می‌کند و یا در آنها دخالت دارد. نویسندگان در این فصل با نگاهی اجمالی به تحریم‌های نفتی آمریکاعلیه ایران، تهدیدهای این کشور علیه روسیه و چین برای عدم همکاری هسته‌ای با ایران، و نیز اشاره به دستور ماه مه ۱۹۹۵ کلینتون به شرکت‌های آمریکایی مبنی بر عدم همکاری با ایران در زمینه نفتی، به موارد نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی و معاهدات جهانی توسط آمریکا می‌پردازد.

همچنین در این فصل به مجموعه مجازات‌های تحریم اقتصادی در تاریخ روابط بین‌الملل نیز پرداخته و از نفت به عنوان عنصری اساسی در بحران خلیج فارس یاد می‌شود و نویسندگان یکی از اهداف عمده آمریکا، در ایجاد بحران منطقه‌ای را سرازیر کردن درآمد نفتی به عربستان سعودی می‌دانند تا این کشور

بتواند هزینه‌های مربوط به تسهیلات آمریکایی را پردازد.

نویسندگان، آزمایش تسلیحات و موشک‌های جدید ماهواره‌ای و جایگزین کردن آنها با نوع قدیمی و فروش هرچه بیشتر تسلیحات و نیازمند کردن منطقه به تکنولوژی، سرمایه و کارشناسان غربی را از اهداف این بحران می‌دانند.

در پایان، به نظر می‌رسد اگرچه نویسندگان، خود در مقدمه یادآوری می‌کنند که با نوشتن این کتاب قصد توجیه و یا تبرئه حکومت صدام را ندارد اما بازگو نکردن همه جوانب و علل واقعی بحران کویت و ضعف‌های حکومت صدام و سیاست‌های وی که هر چند وقت یک بار بهانه در اختیار آمریکا و غرب قرار می‌دهد تا توجیه مناسبی برای دخالت سیاسی و نظامی در منطقه پیدا کنند و نیز نپرداختن به مشکلات عدیده‌ای که این حکومت در داخل با آن مواجه است، این احساس برای خواننده پیش می‌آید که نویسندگان به طور غیرمستقیم بسیاری از کوتاهی‌ها و ندانم‌کاری‌های حکومت عراق را نادیده گرفته و نقش کشورهای دیگر بویژه آمریکا

را بسیار برجسته تر از آنچه هست، نشان می دهد.

با گزارشی که اخیراً بیل کلینتون به سنای آمریکا تسلیم کرد و ضمن آن اعلام نمود که برای تغییر حاکمیت در عراق طرحهایی را دارد، اکنون تحولات جاری این کشور بسیار فراتر از حد تحریم اقتصادی و یا مجازاته‌های کشدار سابق است، ولی در کل نباید این تنش ها را صرفاً از یک دیدگاه و آن هم منافع آمریکا برای ایجاد بحران در منطقه جستجو کرد. حتی اگر آمریکا و بعضی از کشورهای غربی برای فروش تسلیحات خود و حضور دائمی در منطقه نفت خیز خلیج فارس و شاهراه استراتژیک اقتصادی و نفتی، نیاز به ایجاد این گونه بحران ها داشته باشند و طرحهای منطقه ای آنها همانند به اصطلاح «روند صلح منطقه ای» و تقویت رژیم طرفدار آمریکا یعنی اسراییل بدون آنها محقق نباشد.

یادداشتها:

۱- سرزمین عراق با نام بین النهرین قبل از امپراتوری عثمانی جزئی از ایران محسوب می شد ولی پس از چند سال درگیری و دست به دست شدن، بالاخره در سال ۱۶۳۸ از ایران جدا شد و تا سال ۱۹۱۴ قسمتی از امپراتوری عثمانی را تشکیل می داد. پس از جنگ جهانی اول و تجزیه این امپراتوری، عراق همانند بسیاری از کشورهای دیگر در صحنه سیاسی ظاهر شد. دولت انگلیس از به هم پیوستن استان بصره، بغداد و موصل، عراق کنونی را تشکیل داد و بعدها در آوریل ۱۹۲۰ بر اساس کنفرانس سامو (ایتالیا) در کنار اردن و فلسطین مستعمره انگلستان گردید.

۲- در سال ۱۹۷۱ نماینده عراق در سازمان ملل متحد در جریان اختلافات ارضی ایران و شارجه در مورد جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، ضمن حمایت از شارجه، اظهار داشت:

«در حقیقت تاریخ به خوبی نشان می دهد که نه تنها جزایر مذکور تحت حاکمیت اعراب بوده اند، بلکه تسلط اعراب تا جزایر قشم، تنگه هرمز و گاه تا سواحل ایران رسیده است.» اصغر جعفری ولدانی «طرحهای تجزیه خوزستان» مجله سیاست خارجی سال دوم، شماره ۲، (فروردین- خرداد ۱۳۶۷)

۳- اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، تهران ۱۳۶۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۱۱۶.

محمد قهرمانی، محقق مسایل خاور میانه